تبلیغ یا تخریب؟

درباره تبلیغات عجیب و غریبی که این روزها بیشتر از قبل در سطح شهر دیده می‌شود

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir



عکس: محمدحسن صلواتی | شهرآرا

دنیای تبلیغات دنیای عجیب و غریب و گسترده‌ای است. با همان قدرتی که می‌تواند در کسری از ثانیه آدم را روی یک تصویر زیبا، یک کلمه منحصر به فرد و یک جمله اثرگذار میخکوب کند و فکرش را به کار بیندازد، می‌تواند برعکس عمل کند. یعنی نه تنها هیچ احساس مطبوعی را در وجود فرد به جریان نمی‌اندازد، بلکه خبری از جذابیت هم نیست و باعث می‌شود حس زنده‌ای به آدم دست بدهد و از خودش بپرسد: «این دیگه چی بود؟» یا «واقعا جای این جمله و حرف اینجا بود؟» شاید درست شبیه به تبلیغی که همین الان توی ذهن خود شما پررنگ شده است.

بدون خلاقیت، مثل آگهی‌های تبلیغاتی ما

«دیگر نگران حمل تریاک در مسافرت هایتان نباشید. شربت خالص تریاک برای مصرف کنندگان طولانی مدت شیره و تریاک.» بله، می‌دانیم زیادی نادر و محیرالعقول است اما باور کنید همین جملات متعلق به یکی از بنرهایی است که در سطح یکی از شهرهای کشورمان به چشم خورده است. احتمالا شما هم مصداق‌ها و نمونه‌های متفاوت دیگری را در ذهن خود دارید. البته که لازم نیست برای یافتن نمونه‌های بیشتر فقط روی بیلبوردهای تبلیغاتی شهر زوم کنید و یکی یکی آن‌ها را از گذشته تا به امروز مرور کنید. همین آگهی‌های بازرگانی تلویزیون هم خودش پر است از این مدل تبلیغ کردن‌ها. تبلیغ‌هایی که در آن‌ها نه خبری از جذابیت است و نه خلاقیت. شاید شبیه به همان توئیتی که چند وقت پیش یکی از کاربرها در مورد تبلیغات تلویزیونی نوشته بود: «می دونید منطق تبلیغات تو ایران چیه؟ اینه که یه خانواده خیلی پول دار و موفق هستن اما خب تنها دلیل موفقیت اونا یه سس مایونزه!» یا «توی نصف بیشتر تبلیغات صداوسیما طرف یا می‌ره تو یخچال یا از یخچال می‌آد بیرون. یکم خلاقیت داشته باشین. برین توی اجاق گاز، لباس شویی، ظرف‌شویی، ماکروفر و حتی دیگ.»

تبلیغ به چه قیمتی؟

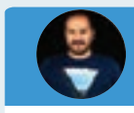
مرداد سال ۹۲ بود که یکی دیگر از همین تبلیغات تعجب‌آور در مشهد خودمان به چشم خورد. وقتی که یک شرکت تولیدکننده محصولات لبنی در مشهد و به عبارت دقیق‌تر در انتهای بولوار وکیل آباد، حوالی دوراهی طرقبه و شاندیز، با بازتاب عکس آرامگاه فردوسی در عینک یک «گاو» سعی داشت محصول خودش را تبلیغ کند. تبلیغی که نه تنها در شأن شهر مشهد نبود بلکه به عقیده عام و خاص جایگاه شاعر بزرگ ایران زمین را بسیار متزلزل نشان می‌داد. بازتاب این تبلیغ البته در چشم مردم هم بسیار زننده بود و در مدت کوتاهی واکنش‌های منفی زیادی را به دنبال داشت و در نهایت بعد از هجمه‌هایی اصلاح شد. این روزها نیز مورد مشابه دیگری دیده می‌شود و در برخی از نقاط شهر، بنرهای تبلیغ یک شرکت تولیدکننده لوازم خانگی به چشم می‌خورد. استرابوردهایی که برند و نشان آن شرکت را دارد و در مرکز آن عنوان شهر مشهد برای جلب توجه بیشتر انتخاب شده است.

نظارت‌های ارشاد دقیقا کجاست؟

این تبلیغ هم مشابه همان نمونه گذشته خود بازخوردهایی را به همراه داشت. در این میان عده‌ای انگشت اتهام را به سمت شهرداری مشهد گرفتند که چرا و چگونه به چنین تبلیغات سطحی‌ای اجازه ظهور و بروز داده است. این در حالی است که تبلیغات تجاری در سطح شهر به عهده سازمان میادین شهرداری است اما تأیید محتوای آن و آنچه قرار است در آن تبلیغ مورد نظر در معرض دید عموم قرار بگیرد، بر عهده اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی است، نه شهرداری. با این حال همین دیروز بود که بخشی از تبلیغ و نام مشهد در استرابوردها پوشانده شد.

در این میان حتی پای شعار شهر امید و زندگی هم که با نام مشهد گره خورده است به میان آمد و بیشتر از آن، نظارتی که باید توسط ارشاد صورت بگیرد اما نمی‌گیرد یا آن‌طوری که باید و شاید صورت نمی‌گیرد. کاربری در توئیتر دراین‌باره نوشته بود: «اینکه برند باسابقه ایرانی برای تبلیغ محصولش از مشاوری با این سطح سواد استفاده می‌کند وحشتناک است؛ اینکه اداره ارشاد می‌تواند از لابه‌لای متون ریز مجلات سوژه شکایت کیفری پیدا کند اما نمی‌تواند بر محتوای تبلیغات محیطی شهر نظارت کند نیز وحشتناک است؛ اما می‌دانید وحشتناک‌تر چیست؟ وحشتناک‌تر این است که روزنامه‌نگاران و برخی که مدعی رسانه‌اند، شعار امید و زندگی را در تقابل با یک شهر زیارتی و مذهبی بدانند.»

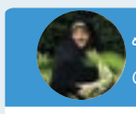
Tweets



محمد معصومیان | خبرنگار
@m_masoumian

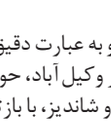
دهیاری و مردم روستای صالح‌آباد غربی تهران برای معتاداییی که از اعتیاد پاک شدن کارگاه آهنگری و تولید المان‌های شهری ساختن. بهشون کار یاد می‌دن و حقوق و بیمه. برای بی‌خانمان‌ها هم تو محوطه کارگاه کانکس گذاشتن تا دوباره آواره بیابون‌ها نشن. خلاصه اینکه دمشون گرم.





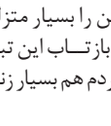
معصومه ابتکار | معاون رئیس‌جمهور در حوزه زنان و خانواده
@ebtekarm_ir

#رهبر انقلاب دیروز فرمودند:
یکی از دغدغه‌های بنده اینکه خانم‌ها در محیط‌های #دادگاهی توانایی دفاع از خودشان را نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که وکیل درست‌وحسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خود دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند. این از جمله چیزهای مهمی است که باید دنبال شود.



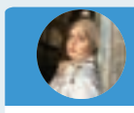
یگانه خدامی | فعال توئیتری
@Yeganehkhodami

الان که «همسران» رو دیدم یادم افتاد بعد از این سریال چقدر مردم توی خونه‌هاشون چراغ کم روشن می‌کردن. تاریکی خونه باکلاس شده بود:)



رضا کربلائی | روزنامه‌نگار
@rezakarbalaee

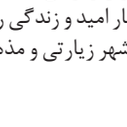
بعد از ۸ ماه درگیری با بیماری و البته پشت سر گذاشتن اولین عمل جراحی زندگی‌ام به این نتیجه رسیدم که زندگی ارزش جنگیدن به هر قیمت را ندارد و باید تغییر مسیر داد. هم در سبک زندگی، هم کار و نگاه به آدم‌ها. مگر چند سال دیگر زنده‌ام؟ نباید زندگی کرد؟ فقط باید زنده ماند؟ نوبت تغییر است.



مرجان زهرانی | روزنامه‌نگار
@marjanzahranee

برای کسانی که رفیقی ندارند تا کل لواسان را به نامشان کند.





پونه ترابی | خبرنگار
@t_golpoone

وقتی متن مصاحبه رو می‌فرستی مصاحبه‌شونده چک کنه و می‌بینی جای «وی گفت»، نوشته «ایشان اظهار نمودند»...
بعدم با غرور می‌گه مصاحبه مشکل ادبیاتی داشت که براتون اصلاح کردم.:))

«سرلک» روی خط سرازیری؟

درباره چرایی همخوانی سینا سرلک پرچم‌دار موسیقی سنتی، با مهراد جم

حاشیه‌نگاری

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir



پزشک مغز و اعصاب شناخته‌شده‌ای بود که در صفحه‌اش برای مردم از بعضی آموزش‌های مرتبط با پیشگیری و مراقبت و درمان بیماری‌های مرتبط با تخصصش حرف می‌زد و روند بهبودی بیمارانش را به اشتراک می‌گذاشت و گاه هم روزنگاری می‌کرد. در اینستاگرامش فالوئر آن چنان بالایی نداشت تا اینکه بعد از همه‌گیری کرونا و یکی‌دو ویدئوی مرتبط با این بیماری که منتشر کرد صفحه‌اش اندک‌اندک پرفالوئر شد و کار به جایی رسید که یکی از پرطرفدارترین صفحه‌های پزشکی اینستاگرام شد. صفحه‌ای که همه‌جور دنبال‌کننده‌ای با هر سلیقه و سطح آگاهی در آن وجود داشت. ۲، ۳ هفته پس از این ماجرا کار به جایی رسیده بود که این متخصص مطرح و باسواد و باکلاس در صفحه‌اش آموزش شست‌وشوی خیار و گوجه‌فرنگی می‌داد. نه اینکه شست‌وشوی میوه مهم نباشد اما شأن یک پزشک این است که نکات مهم‌تری که هرکسی نمی‌داند و هر اینفلوئنسری نمی‌تواند، ارائه دهد.

حالا حکایت سینا سرلک خواننده سنتی خوش صدای موسیقی ماست که ۲ روز پیش خبر همکاری او با مهراد جم، یک خواننده جوان پاپ، شنیده شد. مهراد جم همان خواننده‌ای است که با فریاد زدن‌های عجیب و غریب در اولین کنسرتش معروف شد و در مشهور ترین ترانه‌اش هم می‌خواند «دلم می‌خواد یه جای شیک و پیکُ/ تو باشی و من و یه موزیک هیتُ».

حالا آقای مهراد با سینا سرلکی خوانده که از نوجوانی هر هفته به محضر استاد محمدرضا شجریان می‌رفته است و وقتی سال‌ها بعد از استاد درباره آینده موسیقی سنتی و پرچم‌داران این موسیقی بعد از ایشان پرسیده‌اند، از سینا سرلک و همایون شجریان نام برده است. شأن کسی که سواد بالای موسیقی و صدای بسیار گوش‌نوازی دارد این نیست که از هم‌خوانی با محسن چاوشی شروع کند و بعد به روزبه بمانی برسد و در آخرین حرکت با مهراد جم هم‌خوان شود. نکته هم اینجاست که بعد از همکاری‌های مشترکش با چاوشی و بمانی به مشکل برخورده و از هم جدا شده‌اند؛ اتفاقی که با مهراد جم هنوز نیفتاده است. سینا سرلک همین چند وقت پیش در ایام کرونا یک فروشگاه در شمال شهر تهران افتتاح کرد و خیلی‌ها را هم برای افتتاح مغازه‌اش دعوت کرد. یعنی اصولا زیاد در قیدوبند حفظ کاریزمای خود به عنوان یک خواننده کلاسیک و ساخت هاله‌ای پیرامون خود نیست. حالا همان‌طور که آن پزشک به علت شهرت و به دست آوردن دل فالوئرها آن کار را می‌کرد، به نظر می‌رسد سینا سرلک هم با این هم‌خوانی‌ها به دنبال همین است. اما به نظر نمی‌رسد کسانی که مهراد جم گوش می‌کنند بعد از شنیدن این هم‌خوانی ترانه‌های تک‌نفره سینا سرلک را گوش بدهند و طرف‌دار او شوند؛ از سویی خواننده‌های سنتی مثل همایون شجریان و علیرضا قربانی همین الان و بدون این کارها بسیار پرطرفدارند؛ بحث مالی هم قطعا در میان نیست. بیش از همه‌چیز این کار سینا سرلک به یک خودکشی سرمایه اجتماعی می‌ماند؛ یک خودکشی دائمی و پیوسته در سکوت مطلق. شاید بهترین سؤال از سینا سرلک، نام ترانه اخیرش با مهراد جم باشد: «چرا ساکتی؟»

باهم بشنویم
دل‌بسته شدم
خواننده
سالار عقیلی
آهنگ‌ساز
حبیب خزایی‌فر
ترانه‌سرا
محمدمهدی سیار



سوژه روز

بازگشت «بابک» به میادین!

تسویه ۳۰۰۰ میلیارد تومانی بابک زنجانی، بدهی میلیارد یورویی‌اش را جبران می‌کند؟

فرانک باباپور



تعداد فسادهای اقتصادی و خبرهای هرکدام، آن‌قدر زیاده شده که فاسدان اقتصادی گذشته تا حدودی فراموش شده‌اند. نه‌تنها مردم این میلیاردها تومان پول‌های از دست رفته را فراموش کرده‌اند، گویا مسئولان پرونده‌ها هم یادشان می‌رود، مگر اینکه گاهی در مرتب کردن پرونده‌ها چشمشان به چیزی بیفتد و اقدامی کنند. مثلا بابک زنجانی که در سال ۹۲ بازداشت شد و مدتی اخبارش با عنوان ب.ز منتشر می‌شد و همه پیگیر جرم‌ها و پول‌های به جیب زده‌اش بودند، تا اینکه تب و تابش خوابید و احتمالا هیچ‌کس باورش نمی‌شود از آن دوران ۷ سال گذشته و آقای «ب.ز» نه اعدام شده و نه پول‌ها را بازگردانده است. به‌طوری‌که در فضای مجازی گاهی کاربران جویای حالش می‌شدند و توئیت می‌زدند: «بابک زنجانی بالاخره اعدام شد یا چی؟»

بااین‌حال هرچندوقت یک‌بار خبری از او منتشر می‌شود. یک بار صفحه شخصی او در فیسبوک فعال می‌شود که احتمال آزاد شدن او قوت می‌گیرد، یک بار در دادگاهش با پررویی و طوری که معلوم است می‌خواهد حال بقیه را بگیرد می‌گوید ۲۲ میلیارد یورو پول نقد در یکی از بانک‌های خارجی دارد و این بار هم خبری مبنی بر بازگرداندن ۳۰۰۰ میلیارد تومان از دارایی‌های بابک زنجانی به وزارت نفت منتشر شده است. سال ۹۵ بود که بالاخره حکم اعدام او صادر شد ولی مسئولان قوه قضائیه اعلام کردند زمان اجرای حکم را خودشان تشخیص می‌دهند تا شاید زنجانی بخواهد در این مدت بدهی‌هایش را صاف کند و حتی حاضر شده‌اند از ماده ۱۱۴ قانون مجازات مایه بگذارند و حکم اعدام را با برگرداندن پول‌ها تاخت بزنند، اما بعد از گذشت بیش از ۴ سال «ب.ز» بالاخره ۳۰۰۰ میلیارد از بدهی‌هایش را صاف کرده است. این صاف کردن بدهی هم واکنش کاربران فضای مجازی را به دنبال داشته است، مخصوصا که بدهی‌هایش را با واحد یورو می‌سنجیدند و حالا پولی را که بازگردانده است به تومان گفته‌اند و به قول یکی از این کاربران: «بابک زنجانی با دلار زیر ۳۰۰۰ تومان حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومن دزدید، حالا که دلار ۲۰ هزار تومن شده قوه قضائیه می‌گه که امروز بالاخره ۳۰۰۰ میلیارد تومن رو از بابک زنجانی پس گرفتیم!»

البته حق دارند به پس گرفتن این مقدار پول هم افتخار کنند، مخصوصا که بیش از ۷ سال از بازداشت او می‌گذرد و یک سال پس از دستگیری او، معاون اول رئیس جمهور، اسحاق جهانگیری، درمورد پرونده و شخص او گفته بود: «بابک زنجانی در مقطعی ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار پول دریافت کرده و دیگر آن را پس نداده است. او تاکنون یک سال است که در زندان به سر می‌برد اما با گردن کلفتی، هیچ‌گاه این پول‌ها را پس نداده است.» حالا این ۳۰۰۰ میلیارد تومان بازگشت داده شده با یوروی ۲۱ هزار تومانی این روزها می‌شود حدود ۱۵۰ میلیون یورو و خودتان حساب کنید با آن ۲میلیارد یورو چقدر فاصله دارد. پس جهانگیری پربیراه نگفته و بابک زنجانی گردن کلفتی تمام عیار است.

معرفی فیلم

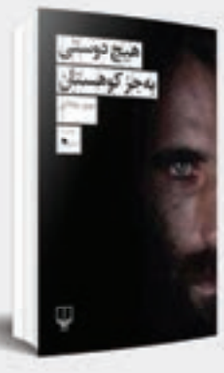


فیلم «راه بازگشت» در ژانر خانوادگی محصول سال ۲۰۲۰ به کارگردانی گاوین اوکانر و بازی بن‌افلک است. این فیلم در جشنواره بحث و گفت‌وگو در رشته‌های مختلف نامزد شد. داستان فیلم درباره یک ستاره سابق بسکتبال است که همسر و بنیان زندگی‌اش را به دلیل اعتیاد از دست داده است و حالا در تلاش است که دوباره روحش را پاک کند.

با اسکن این بارکد می‌توانید این فیلم را از فیلیمو تماشا کنید

معرفی کتاب

«داشتم زندگی را با همه زیبایی‌هایش حس می‌کردم و جریان مرگ در حاشیه بود. حضور مرگ و حرکت در دهلیزهای اسرارآمیزش ترس را می‌کشد و شیرین‌ترین لحظات را رقم می‌زند. با لبخند زندگی، مرگ ترسناک‌تر و پرهیبت‌تر می‌شود. مرگ و زندگی ۲ روی یک سکه‌اند، مرگ از دل زندگی می‌آید و شیرین‌ترین بخش آن است.»



کتاب هیچ دوستی به جز کوهستان
نوشته بهروز بوچانی
نشر چشمه
۲۴۸ صفحه
۴۳۰۰۰ تومان

شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۲شنبه
۹ تیر ۱۳۹۹
۷ ذی‌القعده ۱۴۴۱
شماره ۳۱۳۸
۱۳
روز